



۲۰۲۱/۰۲/۰۴

عبدالقیوم میرزاده

## بر پایی اتحاد نامقدس به قصد براندازی شیرازه نظام کشور

کشور عزیز ما افغانستان این روزها در دشوارترین مراحل هست و نیست خویش قرار گرفته است. سازمان استخبارات نظامی پاکستان، مراجع سیاسی و استخباراتی ایران، سازمان استخبارات فدراتیف روسیه در تبنانی حلقات داخلی وابسته ایشان چون طالبان، جهادیان سابق، نوکران استخبارات ایران افراد معلوم الحال وابسته به سازمان استخبارات روسیه که تجربه کودتای سال ۱۹۹۲ کشور را نیز دارند در یک اتحاد نامقدس بر علیه نظام جمهوری اسلامی افغانستان صف بندی کرده و در پی براندازی نظام دولت جمهوری اند.

از تحلیل تبلیغات رسانه های جمعی تصویری و ارزیابی مجموعه رسانه ای آنلاین در قبال کشور ما بر می آید که ماشین تبلیغاتی دشمنان افغانستان با شدت تمام برای براندازی نظام فعال گردیده و توفان مهیبی در راه است. همه اجزا و گردانندگان این تبلیغات در یک خط واحد بر علیه منافع ملی کشور ما مصمم اند تا بر طبق اهداف تیوری توطئه تبلیغات زهر آگین ضد ملی را در میان مردم پخش و بدین وسیله این اهداف ضد ملی را به باور مردم تبدیل کنند و اخیراً دامنه این تبلیغات وسعت یافته و از طرق گوناگون مردم را برای براندازی نظام می شورانند و همچنان در پی تضعیف مورال رزمی قوای مسلح کشور اند.

استراتژیست های امریکایی در محوریت طرح های انگلیسی در جنوب و جنوب شرق آسیا و بر هزینه بودن مصارف نظامی پیشبرد اهداف و کنترل منطقه مصمم اند تا با کمک ارتش پاکستان و نیرو های تحت فرمانش یعنی طالبان، داعش و القاعده از طریق ارتقای نقش پاکستان در فعل و انفعالات منطقه در قبال طرح ها استراتژیک چین در جنوب آسیا امور شان را به پیش ببرند.

در نسخه امریکایی در قبال این سیاست ها آمده است که در جامعه سنتی افغانستان گروه های تروریستی بطور ریشه دار عمل میکنند، بنیاد اتحاد ملت افغان بدور یک دولت ملی با اساسات دیموکراتیک محال است. در همچو شرایط امریکا مصمم است نیرو هایش را تا ماه می ۲۰۲۱ از افغانستان خارج کند که تطبیق این امر با خطوط ترسیم کرده ای امریکایی به قیمت درگرفتن یک جنگ داخلی در کشور ما تمام خواهد شد. آنها نسخه های این تیوری بی ثباتی و در دادن جنگ داخلی در کشور ما را برای متحدین منطقوی اش طوری ترسیم کرده اند که در همچو اوضاع بی ثبات و جنگ داخلی در افغانستان نه تنها خودشان بلکه سایر آزمندان منطقوی چون روسیه، ایران، جمهوری های آسیای میانه نیز میتوانند منافع شان را جستجو و دریافت کنند. در این نسخه ها پاکستان نقش ژاندارم را بازی میکند و گروه های تروریستی فعال در افغانستان چون طالب، داعش، القاعده، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبکستان و سایر تروریستان که همه در مدارس بنیاد گرایی پاکستان آموزش دیده و از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان تعلیم و تربیه تروریستی گردیده اند، گرداننده گان اهداف پسا امریکا در افغانستان و منطقه میباشند. این است دیدگاه حاکم در بخشهای کلیدی مراجع سیاستگزار امریکا که از سال ۲۰۰۹ بدینسونه تنها تمام پیشنهادات دولت افغانستان را مبنی بر تحکیم پایه های اقتصاد

و اداره، همچنان تقویت نیروهای مسلح و ایجاد نیروی هوایی برای دفاع از سرحدات کشور را رد کرده بلکه در تفاهم با پاکستان طالبان را بیشتر تقویت کرده و به بهانه های فریبنده در جهت هویت بخشیدن این گروه تروریستی از طریق تأسیس دفتر دوحه اقدامات دیپلوماتیک را رویدست گرفتند.

در نسخه آمریکایی دولت افغانستان بی ثبات و رهبری کشور ضعیف و بدون هر نوع امکان برای مقابله با تروریسم ترسیم گردیده است. که طراحان این نسخه منجمله خلیل زاد به منظور بی ارزش ساختن تبعات دیمو کراسی نوپای کشور و تضعیف اداره دولت در سال ۲۰۱۴ بعد از انتخابات برای انتخاب رئیس جمهور و معاونین اش عبدالله دلقک معلوم الحال خویش را که در عین حال مهره پاکستانی نیز میباشد وظیفه دادند تا با همکاری با سایر زور گویان تنظیمی، مفسدین، غاصبین، دزدان و قاجاقبران که در این همه سال مزد بگیران اداره دولت امریکا و پاکستان بودند در برابر انتخابات و رای مردم قرار گرفته و آخر الامر به دستور بادران امریکایی اش حکومت (وحدت ملی) که در حقیقت کمر ملت را در برابر تجاوز بیگانه شکستاند و دیموکراسی را بدنام ساخت ایجاد کردند. به طریقه های مختلف پروسه دولت سازی و تحکیم پایه های دولت ملی را لرزان ساختند و در این همه سالها در برابر تمام اقدامات که در راستای منافع ملی جریان داشت موانع ایجاد کرده و فساد گسترده را در تمام ساحات اقتصادی و اداره کشور جاری نگهداشتند. همچنان با تمام ذرایع به شمول تهدید منافع ملی کشور از فساد پیشگان حمایت همه جانبه کردند.

در این نسخه امریکایی همچنان زیر نام حکومت مؤقت تدابیری پیشبینی شده بود که خلای قدرت را در کشور ما بمیان آورند و همانند سال ۱۹۹۶ با یک یورش طالبان را حاکم بر سرنوشت کشور ما گردانند. برای مقدمات این یورش لازم می افتید تا لشکری برای تقویت نیروهای موجود طالبان تدارک میشد که این تدارکات از زندانیان طالبان در زندانهای افغانستان تکمیل میگردد و زمینه سازی افتراقات ملی، تخدیر و تخریب اذهان عامه، تبلیغات وسیع ضد حکومتی، تضعیف مورال رزمی نیروهای مسلح کشور را به غلام بچگان داخلی پاکستان و امریکا که همه در یک صف نامقدس در زیر رهبری عبدالله عبدالله جمع شده اند سپرده شده بود.

در همچو اوضاع و احوال که یک اتحاد نامقدس مخربین و خابنین داخلی در تحت حمایت پاکستان، ایران، امریکا، روسیه برای تحقق نسخه ها و اهداف سیاست ها و استراتیژی های بیگانگان شکل گرفته و هر روز سیلی از تبلیغات در جهت مخالف منافع ملی کشور غرض پر تنش ساختن هر چه بیشتر اوضاع جریان دارد یگانه مرجعی که در برابر این همه دسایس و حملات سازمان یافته تهاجمات جنگجویان پاکستانی (طالب) قرار دارد اداره دولت افغانستان است که با شکیبایی تمام تلاش خویش را در جهت دفع حملات مسلحانه جنگجویان طالب، داعش و القاعده متمرکز ساخته و همزمان غرض تأمین منافع ملی کشور، حفظ تمامیت ارضی، رشد و شگوفایی اقتصادی کشور، تأمین روابط دیپلوماتیک و ایجاد تفاهم مشترک منطقوی در جهت خنثی ساختن اهداف ددمشانه خارجیان که نه تنها منافع ملی ما را زیر پا میکند بلکه اوضاع منطقه را نیز به بحران میکشاند و بیلانس قوا را در منطقه برهم میزنند در نتیجه احتمالاً آشوب بزرگی منطقه را فرا خواهد گرفت اقدامات را رویدست دارد.

ناگفته نماند همه اجزای این اتحاد نامقدس در تلاش کثیرالجوانب سقوط اداره دولت یا نظام کشور را نشانی کرده اند. انکشاف این وضع نتایج کاری پروژه ایست که حدود ده سال قبل مؤسسه تحقیقات استراتیژیک امریکا بنام (راند) در گزارش برای کانگرس امریکا تهیه کرده بود میباشد. براک اوباما رئیس جمهور قبلی امریکا در سال ۲۰۰۹ سعی کرد پالیسی را در کنگره به تصویب برساند تا نقش پاکستان را در منطقه محدود ساخته و دست پاکستان را در امور افغانستان کوتاه سازد و همچنان قطع کمکهای امریکا برای پاکستان مطمع نظرش بود و در عوض مطرح کرده بود تا کمک برای

تحکیم حکومت سازی در افغانستان و تقویت قوای مسلح افغانستان اقدامات روی دست گرفته شود. که محافظه کاران کنگره با این پالیسی مخالف بودند و مؤسسه "زند" در این زمینه گزارشی برای کنگره تهیه کرد که برعکس پیشنهادات براک اوباما پاکستان را منحصراً کشور محور الویت سیاست های امریکا در جنوب آسیا همچو گذشته مطرح کرده بود و این گزارش از جانب کانگرس امریکا تصویب شد، که اوباما هم به تأخیر بر آن صحنه گذاشت و به این ترتیب زلمی خلیل زاد هر چند در ابتدا در نقش های پشت پرده مجدداً وارد میدان بازی شد و در انتخابات سال ۲۰۱۴ افغانستان آگاهان سیاسی حتی از کاندیداتوری وی منحصراً رئیس جمهور خبر میدادند هر چند خودش این خبر ها را نه رد و نه تأیید کرد. اما با ملاقات های متعدد و تحریکات صریح عناصر خود فروخته ای که فهرست شانرا در بالا ذکر کردم توانست وضعیت سیاسی کشور را در جریان شمارش آرا بعدی متشنج سازد که با دخالت جان کری وزیر خارجه وقت امریکا دولت و حکومت غیر قانونی و ضعیف را بر کشور ما تحمیل کرد و بدین ترتیب در انظار جهانیان و کانگرس امریکا دولت افغانستان را ضعیف و سراپا آغشته در فساد معرفی کرده و به گزارش راند صحنه گذاشت.

خلیل زاد از همه امکانات استفاده کرد تا نقش محوری پاکستان را در مسایل افغانستان استحکام بخشیده و با تمام امکانات تلاش بخرچ داد تا دولت افغانستان را تضعیف و مانور های سقوط دولت و دولت موازی را بوسیله ریزرف های پاکستان - ایران و گماشتگانش چندین بار به منصفه اجرا گذاشت. که خوشبختانه همه این مانور ها گرچه به قیمت گزاف، اما دفع گردید. در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ ریاست جمهوری افغانستان گزارشی دیگری را مؤسسه "زند" به کانگرس امریکا ارائه کرد که در آن در پیامد توافق امریکا با طالبان در غیاب دولت افغانستان مسئله حکومت مؤقت متشکل از غلامان حلقه بگوش پاکستان، ایران و مهره هایی امریکایی مطمع نظر بوده است. گرچه در گزارش، نام افراد ذکر نگردیده است اما دید وادید هایی خلیل زاد، سفیر اسبق امریکا در کابل و رئیس قوت های امریکا در افغانستان با افراد و حلقات معین و سفر هایی این افراد و حلقات به پاکستان و ملاقات هایی آنها با نظامیان پاکستانی در پشت در های بسته حکایت گر عمق این زد و بند های ضد افغانی میباشد.

ممکن است خلیل زاد و یا مؤسسه "زند" برای منافع ملی امریکا بهترین گزینه ها را مطرح کرده باشند اما به اطمینان برایتان متذکر میشوم که این گزینه ها که در این گزارش من آنرا بنام نسخه های ستراتیژیک نام برده ام دقیقاً در جهت مخالف منافع ملی ما قرار دارد. اگر ملت ما متحدانه در کنار دولت خویش قرار گیرد و دست غلامان سیه روی پاکستانی، ایرانی، روسی و امریکایی را از عرصه فعال سیاست کوتاه کرده به حاشیه برانند و همه حرکات خاینانه و ملاقات های کودتا گونه آنها را به مراجع امنیتی گزارش کنند و منابع عایداتی فساد-محور آنها را بخشکانند، من یقین دارم که گزینه های فراوان بدیل وجود دارند که روابط متقابل سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی کشور ما را با همه کشور های جهان منجمله ایالات متحده امریکا و پاکستان در چوکات منافع ملی جانبین تعریف میکند.

همه با یک صدا در برابر این حرکات کودتایی ایستاده شویم و در خنثی سازی تبلیغات زهر آگین این مار های آستین مجدانه فعال گردیم. تا توان داریم این مخربین و فساد پیشگان را به حاشیه برانیم. هر تبلیغ سوء را که بوی تفرقه و نفاق از آن متصاعد است با دلایل مؤجه رد کرده و مردم را از نیت سوء آنها آگاه سازیم.

به همه مردم باید تفهیم گردد نقد منطقی، آگاهانه، مستند و علمی از نقایص، کمبودی ها و نارسایی ها چه به مثابه یک شهروند و چه به مثابه اپوزیسیون و یا جناح های مخالف البته در هر عرصه با توضیح علمی در خصوص راه های برون رفت و رفع نقیصه میتواند گره گشای خوبی برای انکشاف، پیشرفت بوده و فرهنگ نقد را در جامعه نهادینه میگرداند که بسیار مفید و پذیراست، اما به دهل و سرنای دشمن معلوم الحال کشور رقصیدن و تبلیغات استخراج شده ای سازمانهای

استخبارات پاکستان و ایران را نشخوار کردن و طرح آن در مجالس، محافل و رسانه ها نه به صیغه نقد بلکه به صیغه محو فزیکتی عناصر متشکله اداره دولت و نابودی نظام مترادف با خیانت به کشور است.



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، بروی عکس کلیک کنید](#)

